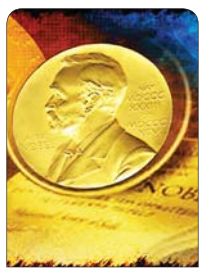
روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶
تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷
امور مشترکین: تلفن: ۳۲-۸۸۸۱۴۲۳۰
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir
تهران: اذان ظهر ۱۱:۵۰ اذان مغرب ۱۷:۴۷ اذان صبح فردا ۴:۴۸ طلوع آفتاب ۶:۱۲

روزنامه شرق

سه‌شنبه ۲۳ مهر ۱۳۹۲ • ۹ ذی‌الحجه ۱۴۳۴ • ۱۵ اکتبر ۲۰۱۳ • سال یازدهم • شماره ۱۸۵۸ • ۱۶صفحه



نوبل اقتصاد ۲۰۱۳ نصیب ۳ آمریکایی شد

فارس: جایزه نوبل اقتصادی سال ۲۰۱۳ نصیب سه‌آمریکایی شد. جایزه ۱/۲۵میلیون‌دلاری نوبل اقتصادی آکادمی سلطنتی علوم سوئد به سه‌آمریکایی رسید. یوگن فاما، لارس پیتر هنسن، و رابرت شیلر برای تحقیقی با موضوع «تحلیل تجربی قیمت دارایی‌ها» به‌عنوان برندگان نوبل اقتصاد ۲۰۱۳ انتخاب شدند. محمدهاشم پسران، اقتصاددان ایرانی مقیم آمریکا نیز برای تحقیقات در معیارهای اقتصادسنجی در سری زمانی به‌عنوان یکی از نامزدهای دریافت این جایزه در سال جاری معرفی شده بود که متاسفانه نتوانست برنده این جایزه باشد.

با شما نبودم

جین‌پوش‌های هخامنشی



امید بلاغتی

● فکر می‌کردم در این پاییز و مهرماه دیگر تمام شود همچه شک‌ها و تردیدها اما زهی خیال باطل. دوره و زمانه عوض شده است و شک است که از در و دیوار می‌ریزد. اول اینکه من دچار تردید شدم که این آقای نتانیاهو و مشاورانشان مطالعه و مداقه و تامل که هیچ، عمل ساده تماشای عکس را هم انجام نمی‌دهند؟ درواقع تردید عمیقی که مرا در خود فرو برده این است که برای کشف اینکه ما در ایران شلوار جین می‌پوشیم الزاما نیازمند مطالعات گسترده و بازگشایی کرسی‌های دانشگاهی در حوزه خاورمیانه که نیست. کافی است شما گوگلی کنی شلوار جین را تا ببینی هیهات که در ملک ایران‌زمین حتی از همان زمان کوروش کبیر که بنیامین شیطون خیلی هم بهش ارادت داشت، سربازهای هخامنشی شلوارجین می‌پوشیدند، در آن زمان که ملت با شاخ‌وبرگ درختان خود را می‌پوشاندند. بعدم به قول آقای احمدی‌نژاد خودمان «الان مشکل ما لباس‌پوشیدن و موی جوونامت؟!» نه وجدانن بنیامین مشکل اینامت؟! با لحن خود آقای احمدی‌نژاد هم بخوان تا نوستالژیک‌تر باشد برایت. دوم این‌روزها ما نمی‌دانیم چرا هم خودم هم رفقایم همه بچه‌های محل دچار این سندروم غریب شدیم! سندروم «یک حرفی زدم تاریخ به بعد و قبلش تقسیم شد.» والله هرجا می‌روم حرفی می‌زنم گیرم حرف‌های ساده حس می‌کنم تاریخ دو شقه شد. شقه بعد حرف من، شقه قبل حرف من. بعد فکر می‌کردم بلایی است به جان خودم افتاده است دیدم نه. همه جا، همه کس به‌ویژه در رسانه‌های مجازی دچار این مشکل شدند. خب اینطوری تکلیف آیندگان چه می‌شود؟! این چه‌طور تاریخ پست‌مدرنی است که داریم تحویلشان می‌دهیم. بندگان خدا فردا باید هی فکر کنند خب تاریخ تفکر و اندیشه از اینجا قبل و بعد شد یا از اونجا. ما هم که ماشاءالله استاد تولید جملات قصار و نظرات مشعشع. خب به فکر خودمان نیستیم به فکر آیندگان باشیم. البته خودم را عرض می‌کنم با شما که نبودم!

گزارش میدانی

به بهانه تولد محمد زکریای‌رازی، کاشف الکل

کیمیایی که قربانی می‌گیرد

سعید برآبادی

محمد زکریای‌رازی، راضی نبوده و نیست که کشفش اینطور قربانی بگیرد. تنها در سال گذشته ۴۰نفر به اعلام سازمان پزشکی‌قانونی با الکل مرده‌اند و تنها در یک واقعه، در رفسنجان، بیش از ۲۰۰نفر را همین الکل مسموم کرده و به بیمارستان فرستاده. اگرچه هنوز مقامات رسمی درباره مصرف الکل روزه سکوت گرفته‌اند اما اگر این پوست دلخوشکنک و شیک‌وپیک شهر را بالا بزنی، زیر آن، اوضاع اگر نه ناجور، لااقل نافرم است. کشف جنجال‌برانگیز زکریای‌رازی، حالا با قیمت نه‌چندان گرانی، رقیب اصلی قوطی‌ها و شیشه‌های شیک مشروبات الکلی است که از مرزهای غرب قاچاق می‌شدند. در تهران، الکل «اتحادیه» که از گندم و خرما به دست می‌آید با غلظت‌های ۷۰ و ۹۰درصد به وفور فروخته می‌شود. سوپرمارکتی‌ها، در فروش این الکل منع قانونی نمی‌بینند و حتی می‌گویند هیچ گیری هم در این زمینه نیست و می‌دانند اگر مشتری‌های چنین ماده عجیب‌وغریبی زیاد شده، نه برای مصرف دارویی است و نه برای گل‌انداختن زغال! جالب اما اینجاست که ۱۲قرن بعد از زکریای‌رازی، کشف او هنوز قربانی می‌گیرد، یعنی هنوز هستند آدم‌هایی که نمی‌دانند به دلیل سوءاستفاده کارگاه‌های زیرپله‌ای چه بلایی دارند بر سر کبد و دستگاه گوارش خود می‌آورند و هر بار که بالا می‌روند، باید بیشتر و بیشتر نگران قدرت بینایی‌شان باشند که کوری یکی از اصلی‌ترین عواقب نوشیدن «اتانول» است.

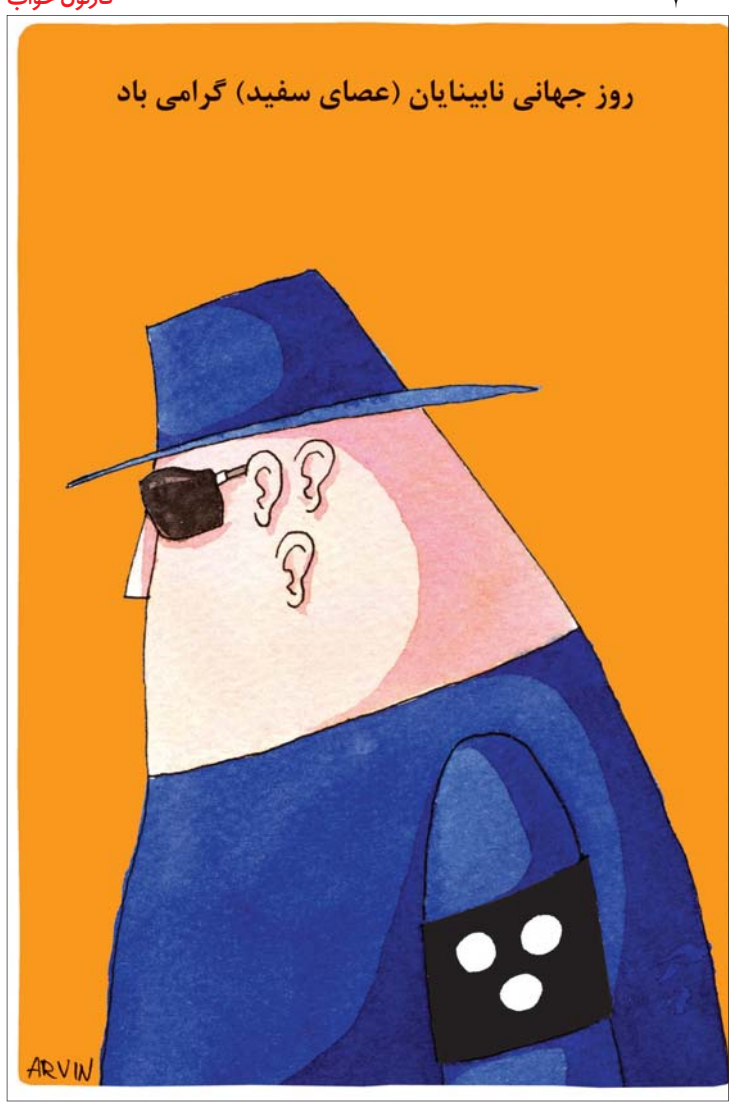


تابوی سخن‌گفتن درباره الکل، پارسال شکسته شد وقتی که بهزیستی اعلام کرد می‌خواهد برای این مسئله در کشور فکری کند و «سند ملی مقابله» با آن را تهیه کرد. از همین‌جا بود که کم‌کم در مورد اطلاعات مصرف الکل سخن گفتند و بعضی‌ها همچنان سکوت را گارد دفاعی خود قرار دادند. حالا تنها رقم موجود در این میان، همان ۲۰۰هزار نفر معتاد به الکلی است که ستاد مبارزه با موادمخدر اعلام کرده و بعید است که در این شرایط کسی بخواهد به این رقم بیفزاید یا از آن بکاهد. با وجود این، زیر پوست شهر، علاوه بر تولید و خرید و فروش و مصرف الکل‌های طبی، الکل‌های دست‌ساز هم به قیمتی ارزان در دسترس قرار دارند به این شرط که بتوانید فروشنده‌اش را پیدا کنید! آنچه روزگاری ابوریحان بیرونی از آن به‌عنوان بزرگ‌ترین کیمیاگری زمان نام برده بود و هم او باعث شد، دانشمند گمنامی چون زکریای‌رازی به سرفهرست دانشمندان شیمی ایران بدل شود، حالا به نوشیدنی دردسرسازی بدل شده که هم مصرف آن آسیب اجتماعی است و هم آمار مرگ‌ومیر و بیماری‌هایش، غیرقابل چشم‌پوشی. با این همه می‌توان ۷۰۰سی‌سی از همین بلای جان را ارزان‌تر از ۱۰ هزار تومان خرید و به خندق بلا ریخت! ناگوارتر اینکه خرید و فروش اتانول در سوپرمارکت‌ها، این زمینه را برای نوجوان‌ها هم فراهم کرده که بی‌دغدغه و ارزان، سری گرم کنند و هنوز معلوم نیست که اخطاریه وزارت بهداشت مبنی بر طعم‌دارکردن الکل‌های طبی را کارخانه‌های تولیدکننده این ماده شنیده‌اند یا نه.



آروین
arvinmad@gmail.com

کارتون خواب



از هر نظر بی‌ضرر

پنجره ایران و آمریکا چقدر باز می‌شود؟



پوریا عالمی

● وزیر امور خارجه آمریکا گفت: پنجره دیپلماسی با ایران در حال باز شدن است. (ایسنا)

ظریف و کیهان

به همین مناسبت وزیر امور خارجه ایران گفت: اون پنجره‌رو باز کنید هوا بیاید. بیرون سرد است.

روزنامه کیهان می‌خواست تیتر بزند اما نزد: اگر پنجره را باز کنیم، بیرون گرم می‌شود؟

این سوالی بود که همه را به فکر فرو برد. آیا وقتی تو هوا گرم است و بیرون هوا سرد است، اگر پنجره را باز کنیم بیرون گرم می‌شود؟ یا تو سرد می‌شود؟ اندیشمندان هم‌اینک انگشت حیرت به دهان حیران مانده‌اند.

کارشناس اخوان‌ثالث

اخوان‌ثالث، کارشناس خاورمیانه، اظهارنظر کرد: متاسفانه در روابط بین ایران و آمریکا/ سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت/ چرا؟ چون سرها در گریبان است/ حتی اگر پنجره را هم باز کنند، مطمئن باشید/ کسی سر بر نیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را/ که این موضوع هم برمی‌گردد به اینکه/ نگه جز پیش پا را دید، نتواند/ چرا؟ چون در دیپلماسی ایران و آمریکا/ره تاریک و لغزان است/ چند وقت پیش هم که از سوی آمریکا دست دراز کردند آقای خاتمی خواست دست دراز کند و دست بدهد که گفتند هر کی به دست دست بزنه شاپره نیشش می‌زنه و آقای خاتمی سریع دست را غلاف کردند. متاسفانه تجربه گذشته نشان داده/ وگر دست محبت سوی کسی یازی، به اکراه آورد دست از بغل بیرون، که سرما سخت سوزان است/ حالا شما پنجره را هم باز کنی تاثیری ندارد/ چون نفس، کز گرمگاه سینه می‌آید برون، ابری شود تاریک/ و تیتری شود در کیهان/ چو دیوار ایستد در پیش چشمانت/ در نتیجه/نفس کاین است، پس دیگر چه‌داری چشم، ز چشم دوستان دور یا نزدیک؟

کارشناس فروغ فرخزاد

فروغ فرخزاد به باز کردن پنجره نگاه مثبتی ندارد: در کوچه برف می‌آید. این ابتدای ویرانی است. ظریف در پاسخ به فروغ، در فیس‌بوکش نوشت: نه عزیزم. مثبت نگاه کنیم. در کوچه برف می‌آید. این ابتدای آدم‌برفی است.

فروغ زیر استاتوس ظریف کامنت گذاشت: K

کارشناس زیباکلام

صادق زیباکلام در مقاله‌ای با یک ارجاع ادبی ننوشت: توی یک دیوار سنگی/ دو تا پنجره اسیرن/ دو تا خسته، دو تا تنها/ یکیشون ایران، یکیشون یونایتداستیت.

وی رابطه ایران و آمریکا را چنین تحلیل کرد که: دیوار از سنگ سیاهه/ سنگ سرد و سخت خارا. زیباکلام نتیجه دیپلماسی امروز را اینطور ارزیابی کرد: نمی‌تونیم که بجنبیم/ زیر سنگینی دیوار/همه عشق من و تو/قصه هست، قصه دیدار.

زیباکلام نتیجه گرفت: همیشه فاصله بوده/ بین دستای ایران و آمریکا/ با همین تلخی گذشته/ شب و روزای ایران و آمریکا. وی پیش‌بینی کرد: راه دوری بین ما نیست/ اما باز این هم زیاده/ تنها پیوند ایران و آمریکا/ دست مهربون ظریفه.

کارشناس مجری حیدری

همچنین مرتضی حیدری، اجراکار (مجری سابق)، نگفت: یه پنجره با یک قفس/ یه حنجره بی‌همنفس...

ظریف و کری

وزیر امور خارجه ایران نیز در فیس‌بوکش نوشت: وقتی که دلتنگ می‌شم و همراه تنهایی می‌رم/ داغ دلم تازه می‌شه زمزمه‌های خوندنم وسوسه‌های موندنم/ با تو هم‌اندازه میشه. وی در پاسخ به کامنت وزیر امور خارجه آمریکا که گفته بود لای پنجره را باز کن، کامنت گذاشت: کری جان، قد هزارتا پنجره تنهایی آواز می‌خونم/ دارم با کی حرف می‌زنم؟ نمی‌دونم، نمی‌دونم. کری نوشت: این‌روزا دنیا واسه من، از خونه‌مون کوچیک‌تره/ کاش می‌تونستم بخونم قد هزارتا پنجره. د باز کن اون پنجره‌رو. ظریف در حالی که کری را poke می‌کرد براش کامنت گذاشت: طلوع من، طلوع من/ وقتی غروب پر بزنه/ موقع رفتن منه. کری که کامنت ظریف را لایک می‌کرد، پاسخ داد: حالا که دلتنگی داره/ رفیق تنهاییم میشه/ کوچه‌ها نارفیق شدن. ظریف نوشت: راست میگی کری. حالا که می‌خوام شب و روز/ به همدیگه دروغ بگن/ ساعت‌ها هم دقیق شدن. کری استاتوس جدیدی گذاشت: روی سکوی کنار پنجره/ همه شب جای منه/ چند ورق کاغذ و یک دونه قلم/ همیشه یار منه. ظریف تندی آمد و براش کامنت گذاشت: کاغذای خط‌خطی/ از کنار در باز پنجره/ می‌پرن توی کوچه.

کری آه کشید و در پاسخ به کامنت ظریف آیکون ناراحتی گذاشت و ناامیدانه نوشت: سر حال از اینکه آزاد شدن/ نمی‌دونن که اسیر دل سنگ باد شدن.

ظریف آیکون: * برای کری گذاشت و بحث را اینطور عوض کرد: دیگه بیداری شب عادتمه/ همدم سکوت تنهایی من/ تیک‌تیک ساعتمه/ تیک‌تیک ساعتمه. کری نوشت: حالا من موندم و یک دونه ورق/ که اونم از اسم تو سیاه میشه/ همه چیم تو زندگی/ آخرش به پای تو هدر میشه. ظریف گفت: نه‌نه... کری غصه نخور. چشمونم، فاصله‌رو از پنجره دید می‌زنه/ دلم اسم تورو فریاد می‌زنه. کری گفت: پس من رسما اعلام می‌کنم/ درای پنجره‌رو تا انتها باز می‌کنم/ تو خیالم با تو پرواز می‌کنم. ظریف نوشت: باشه گلم. کری پیش از آنکه دیس‌کانکت شود کامنت گذاشت: ظریف جونم، «به توافق نرسیدن بهتر از رسیدن به توافقی بد است.»

ادامه از صفحه اول

درک «روحانی» از نیاز نهاد دانش

نتیجه این شد که وزارت فرهنگ و آموزش‌عالی در همان سال اول، تبدیل به وزارت علوم تحقیقات و فناوری شد و پس از ۷۰سال از آغاز عمر دانشگاه، قرار بر بازبینی مسیر گذشته شد. در نهایت تلاش برای سامان‌دادن آموزش‌عالی کشور بر اساس تجارب ذی‌قیمتی که در کشورهای مختلف وجود داشت و مزیت‌های نسبی ایران، پی‌ریزی شود. اینکه استقلال اداری و آزادی آکادمیک در نهاد دانشگاه به رسمیت شناخته شود و در کنار آموزش و پژوهش، مساله فناوری و فناوری‌های نوین در آموزش‌عالی لحاظ شود و مقرر شد دانشجو در دانشگاه علاوه بر آموختن مرزهای دانش و آشنایی با تخصص‌های مختلف در عین برنامه - نه فوق‌برنامه- باید فعالیت‌هایی داشته باشد که او را «جامعه‌پذیر» کند. این فعالیت‌های البته حزبی نیست بلکه آماتوری است و دانشجو در عین آموزش رشته تخصصی، عرصه‌ها باید برای وی باز باشد تا در فعالیت‌های داوطلبانه اعم از انجمن‌های اسلامی، علمی، فرهنگی با رویکرد به منابع عظیم فرهنگی ما از شعر، ادبیات و موسیقی تا قرآن و نهج‌البلاغه و شوراهای صنفی فعال باشد. انجمن‌های مختلف تاسیس کند که به‌دنبال معضلات اجتماعی هستند و فرهنگ مکتوب را با نشریات دانشگاهی قوی، ارتقا دهند. از دید دولت اصلاحات، دانشگاهی دانشگاه بود که از استقلال، خودگردانی و... برخوردار بوده و مناسبات خود را در قالب نقشه کلان علمی و رتبه‌بندی سامان می‌داد و با توازن میان آموزش‌های رسمی، فنی و حرفه‌ای، از راه دور، مجازی و... نهایتا با برنامه توسعه کلان کشور توازن ایجاد کند. بر این اساس اولین برنامه توسعه متکی بر دانایی، در برنامه‌چهارم شکل گرفت. این عرصه، مجموعه‌ای را فراهم می‌کرد که در چند برنامه جامع و با تحول بنیادین، اقتدار ملی را در پی داشته باشد و به شاخصه‌های توسعه پایدار برسد. در دولت اصلاحات، چهارهزار نشریه دانشجویی وجود داشت تا دانشگاه، پیشرو باشد نه تابع. متاسفانه در هشت‌سال گذشته، با وجود اینکه سازوکارهای دانشگاه ایجاد شده بود و اهداف فوق را پیگیری می‌کرد، اما آن شتاب دچار رکود جدی شد چون شاخص‌های آکادمیک دچار خدشه شد. نوع گزینش استاد، بخشی از گزینش دانشجو، سازوکارهای انتخاب مدیران دانشگاهی، بحث استقلال دانشگاه‌ها به‌شدت دچار تردید شد و ما با سیستم متمرکز سنگین در وزارتخانه‌های علوم و بهداشت مواجه شدیم. فضای ایفای نقش استادان در تعیین سرنوشت خودشان حتی در «گروه»، در بسیاری از مراکز محدود شد. جذب استادان متمرکز شد و دانشگاه، امکان تمشیت امور خود از دست داد و بسیاری از فعالیت‌های آماتوری دانشجویی که نهالی نوپا بود مورد بی‌مهری قرار گرفت. البته در عرصه‌هایی به‌دلیل قوت جامعه دانشگاهی ما با وجود بی‌مهری‌ها، فعالیت‌هایی صورت گرفت اما مهم‌ترین اتفاقی که رخ داد این بود که نهاد دانش از نهاد توسعه کشور کنار گذاشته شد. بر اساس گزارش مراکز جهانی مخصوصا سازمان ملل، سالانه ۱۵۰ تا ۱۸۰هزار نیروی متخصص ما در سطوح مختلف از کشور مهاجرت کردند و بر طبق تخمین سازمان ملل حدود ۵۰میلیارددلار سرمایه انسانی از کشور خارج شد. نرخ بیکاری دانش‌آموختگان در کشور نیز دورقمی شده و به نزدیک ۱۶درصد رسید. همه اینها زنگ‌های خطری بود که ما با وجود داشتن همه ظرفیت‌های توسعه پایدار، از آن فاصله گرفتیم. حاصل این شد که در پررونق‌ترین تاریخ اقتصادی ایران، ما ثروتمندترین دوران را پشت‌سر گذاشتیم اما این ثروت چون با نهاد دانش پیوند نخورد، نتوانست توسعه پایدار پدید آورد. نشاط اجتماعی تضعیف شد و افسردگی‌هایی که منجر به‌رجوع به مسکن‌های موقت می‌شد، در میان دانشجویان و جوانان رواج یافت. امروز اما به‌نظر می‌رسد جناب آقای روحانی به‌خوبی، نقاط اشکال را درک کرده و از استقلال دانشگاه دفاع می‌کنند. سخنان جناب روحانی به همین‌دلیل مورد استقبال دانشجویان و استادان قرار گرفت و آنها در فضای دوباره بانشاط‌شده دانشگاه تهران، این سخنان را تایید کردند. رییس‌جمهور تاکید کرد آزادی آکادمیک باید در دانشگاه نقش اصلی را ایفا کند و استادان بدون دغدغه سیاسی و معیشتی بتوانند به اصلی‌ترین نیازها بپردازند، نقد کنند، کاستی‌ها را متعهدانه بیان کنند و نقش خود را در تولید دانش به‌شکل متناسب ایفا کنند. این فضایی است که اگر اتفاق بیفتد، می‌توان با تکیه بر ظرفیت دانشگاه، آن را به‌سرعت بازسازی کرد. دانشگاه و دولت می‌توانند کاستی‌ها را جبران کرده و ظرف دو برنامه پنج‌ساله، ایران را به‌توسعه پایدار برسانند.

جدی نگیرید

اگر قرار است تا بخش خصوصی، به روند برقراری مجدد روابط کمکی کند، می‌تواند در قالب تعامل هیات‌های تجاری دو طرف؛ به مذاکره و لابی اعضای مذاکره‌کننده دولتی یاری رسانند تا منافع ملی تامین شود. از سویی دیگر، ایجاد این تاق، در شرایط حاضر، چندان لازم به نظر نمی‌رسد زیرا ما با پنج کشور از اعضای مذاکره‌کننده ۱+۵ از جمله کشورهای مهمی مانند انگلستان، روسیه و فرانسه دارای اتاق مشترک هستیم و اگر قرار است این اتاق‌ها به روند مذاکرات کمکی کنند، بهتر است تا با همین کشورها و اعضای اتاق‌های مشترکشان وارد مذاکره شویم.

